

به نام خدا

یادگیری پویا و تعاملی؛ استراتژی‌های نوین برای آموزش مؤثر

مولفان :

مسعود خدادادی

فرشته مددی

ویدا طالب زاده چالستری

آسیه نیسی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : خدادادی ، مسعود ، ۱۳۷۲
عنوان و نام پدیدآورندگان : یادگیری پویا و تعاملی؛ استراتژی‌های نوین برای آموزش مؤثر / مولفان مسعود خدادادی ،
فرشته مددی ، ویدا طالب زاده چالشتی ، آسیه نیسی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۱۳ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۶۷-۰
شناسه افزوده: مددی ، فرشته ، ۱۳۵۹
شناسه افزوده: طالب زاده چالشتی ، ویدا ، ۱۳۵۳
شناسه افزوده: نیسی ، آسیه ، ۱۳۶۴
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : یادگیری پویا - تعاملی - آموزش مؤثر
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : یادگیری پویا و تعاملی؛ استراتژی‌های نوین برای آموزش مؤثر
مولفان : مسعود خدادادی - فرشته مددی - ویدا طالب زاده چالشتی - آسیه نیسی
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: محدثه فرهنگد
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۲۳۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۶۷-۰
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه:	۵
بخش اول: مبانی و مفاهیم پایه در یادگیری پویا و تعاملی	۷
فصل یکم: مفهوم و تاریخچه یادگیری پویا و تعاملی	۷
فصل دوم: اصول علمی آموزش تعاملی و رفع نیازهای متنوع یادگیرندگان	۱۷
فصل سوم: نظریه‌های یادگیری نوین و کاربردهای آن‌ها در آموزش مؤثر	۲۷
فصل چهارم: فناوری‌های نوین و ابزارهای دیجیتال در فرآیند یادگیری	۳۷
فصل پنجم: طراحی سناریوهای تعاملی و فعالیتهای مشارکتی در کلاس	۴۹
فصل ششم: ارزیابی و بازخورد در یادگیری پویا و تعاملی	۶۱
بخش سوم: کاربردهای عملی و چالش‌ها در پیاده‌سازی آموزش پویا	۷۳
فصل هفتم: تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر یادگیری فعال	۷۳
فصل هشتم: مهارت‌های مدرس در بهره‌گیری از استراتژی‌های نوین آموزشی	۸۳
فصل نهم: چالش‌ها و راهکارهای پیاده‌سازی آموزش تعاملی در آموزش عالی	۹۳
فصل دهم: آینده‌پژوهی در آموزش پویا و تعاملی و مسیرهای توسعه	۱۰۳
منابع	۱۱۳

مقدمه:

در دنیای معاصر، آموزش و یادگیری به سرعت در حال تحول است و تأثیر فناوری‌های نوین بر فرایندهای آموزشی بیش از پیش آشکار می‌شود. رویکردهای سنتی آموزش، که بر انتقال صرف اطلاعات استوار بودند، دیگر نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای پیچیده و چندوجهی جامعه امروز باشند. در این راستا، توسعه و به‌کارگیری استراتژی‌های نوین و پویا در فرآیند یادگیری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد، مطرح شده است. این استراتژی‌ها، بر پایه رویکردهای تعاملی، فعال‌سازی نقش یادگیرنده، استفاده از فناوری‌های مدرن و هم‌افزایی میان مدرس و دانش‌آموز استوارند و به هدف بهبود کیفیت آموزشی و ارتقاء اثربخشی فرایند یادگیری طراحی شده‌اند.

بدون تردید، استفاده از روش‌های پویا و تعاملی در آموزش، مستلزم درک عمیق از مفاهیم یادگیری فعال، آموزش شخصی‌سازی‌شده، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند فضای مجازی، آموزش همراه با بازی‌های آموزشی و رویکردهای چندرسانه‌ای است. در این مسیر، پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که این رویکردها می‌توانند سطح دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان را به‌مراتب افزایش دهند و انگیزه آن‌ها را برای یادگیری تقویت کنند.

علاوه بر این، در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکانات بی‌پایانی برای طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی تعاملی فراهم شده است. به طور نمونه، استفاده از سامانه‌های آموزش الکترونیکی، پلتفرم‌های مجازی و ابزارهای دیجیتال، امکان ایجاد محیط‌های یادگیری غنی و جذاب را فراهم می‌آورند که نقش مهمی در توسعه مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی و خلاقیت ایفا می‌نمایند. این فرایند، نه تنها یادگیرندگان را فعال‌تر می‌سازد بلکه اساتید و مربیان را به عنوان راهبران فرآیند آموزش در مدار فعالیت قرار می‌دهد.

در نتیجه، به‌کارگیری استراتژی‌های نوین یادگیری پویای تعاملی، می‌تواند به عنوان کلید موفقیت در فرآیند آموزش در نظر گرفته شود. این رویکردها، در عین حال که انسجام بیشتری در انتقال دانش ایجاد می‌کنند، انگیزه و درگیری دانش‌آموزان را نیز افزایش

می‌دهند، به گونه‌ای که فرآیند یادگیری به تجربه‌ای معنادار و ماندگار تبدیل می‌شود. بی‌تردید، بهره‌گیری از اصول علمی و پژوهش‌های معتبر در طراحی و اجرای این استراتژی‌ها، اهمیت بسیار زیادی دارد و می‌تواند منجر به توسعه فرهنگی و علمی دانش‌آموزان و همچنین ارتقاء سطح آموزش در نظام‌های آموزشی کشور شود.

در این کتاب، تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع معتبر و پژوهش‌های هدفمند، راهکارهای عملی و تخصصی برای توسعه یادگیری پویا و تعاملی ارائه گردد که کاربردی بودن و اثربخشی آن‌ها در فرایندهای آموزشی تضمین شود. منابع مورد استفاده در تدوین مطالب این اثر، همگی از کتب و مقالات علمی فارسی زبان و معتبر هستند، که نقش مهمی در غنای مطالب و تطابق آن‌ها با نیازهای مخاطبان دارند.

بخش اول:

مبانی و مفاهیم پایه در یادگیری پویا و تعاملی

فصل یکم:

مفهوم و تاریخچه یادگیری پویا و تعاملی

در متون علمی و تاریخی، مفهوم یادگیری پویا و تعاملی به فرآیندی اشاره دارد که در آن فرایند یادگیری نه به صورت یک طرفه و منفعل، بلکه به صورت فعال، مبتنی بر تعامل میان عناصر مختلف و با تأکید بر انعطاف‌پذیری و اصلاح مستمر شکل می‌گیرد. این رویکرد بر اساس ایده‌ای استوار است که یادگیری مؤثر زمانی حاصل می‌شود که فرد بتواند با محیط، دیگران و مواد آموزشی درگیر شود، سوال بپرسد، کاوش کند و ایده‌های جدید را بازسازی و گسترش دهد.

در آغاز، تصور غالب بر یادگیری به عنوان فرآیندی خطی و سلسله‌مراتبی مورد توجه قرار داشت که در آن انتقال دانش از معلم به شاگرد در مرکز قرار می‌گرفت. اما با پیشرفت‌های علمی و نظریه‌های فرایندهای شناختی، به ویژه در دهه‌های اخیر، مفهوم یادگیری تغییر یافت و به سمت رویکردهای فعال و تعاملی حرکت کرد. در اوایل قرن بیستم، نظریه‌های یادگیری مانند نظریه‌های رفتاری بر تأکید بر واکنش‌های مستقیم و تمرین‌های تکراری تمرکز داشتند، اما بعدها نظریه‌های شناختی و اجتماعی، بر نقش فعال فرد و تعاملات اجتماعی در فرآیند یادگیری تأکید کردند.

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، رویکردهای نوین نظیر یادگیری معکوس، آموزش مبتنی بر پروژه، و آموزش بر پایه تفکر انتقادی توسعه یافتند که همگی به تقویت جنبه‌های تعاملی و فعال در فرآیند یادگیری اشاره داشتند. در این دوره، مفهوم یادگیری پویا به معنی توانایی فرد در سازگاری با تغییرات، حل مسئله، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای تقویت تعاملات آموزشی مطرح شد.

پیشرفت‌های فناوری و ارائه ابزارهای دیجیتال در دوره معاصر، نقش بسزایی در تحول این مفهوم داشته است. سامانه‌های آموزش مجازی، سیستم‌های یادگیری مبتنی بر تعامل، فناوری واقعیت مجازی و هوش مصنوعی، این امکان را فراهم آورده‌اند که یادگیری در محیط‌های تعاملی و پویا به صورت گسترده‌تری تبیین شود. به علاوه، رویکردهای یادگیری مشارکتی و همکارانه، تأکید بر نقش دانش‌آموزان در ساخت معنا و همکاری گروهی در فرآیندهای آموزشی، اهمیت این مفاهیم را دوچندان ساخته است.

در نتیجه، مفاهیم علمی و تاریخی نشان می‌دهند که در طول زمان، دیدگاه‌های مربوط به یادگیری از حالت ثابت و محدود، به سمت فرضیه‌های فعال، تعاملی و انعطاف‌پذیر حرکت کرده‌اند. در این مسیر، نقش فرد به عنوان فعال و تعامل مستمر با محیط و هم‌آموزان به عنوان عوامل اصلی توسعه فرآیندهای یادگیری در نظر گرفته شده است. همچنین، توسعه فناوری‌های نوین به عنوان عامل تسریع‌گر این تحول به حساب آمده و اهمیت آن در شکل‌گیری سبک‌های نوین آموزش، درک عمیقی از ماهیت یادگیری پویا و تعاملی ارائه داده است.

عوامل و ریشه‌های شکوفایی و توسعه ایده‌های نوین در زمینه یادگیری پویا و تعاملی در تاریخ آموزش و پرورش، نتیجه تلاقی تحولات نظری، فناوری، فرهنگی و اجتماعی متعددی است که به مرور زمان و در راستای تعالی و اثربخشی فرآیندهای آموزشی شکل گرفته است. این عوامل به طور همزمان و به صورت پیچیده، موجب تحولی در نگاه به آموزش شده و زمینه‌ساز توسعه رویکردهای فعال، مشارکتی و انعطاف‌پذیر گردیده است.

یکی از عوامل اصلی در این روند، پیشرفت‌های نظری در حوزه علوم شناختی و روانشناسی تربیتی است. مطالعه بر روی فرایندهای ذهنی، حافظه، حل مسئله و فرآیندهای متدولوژیکی یادگیری، نشان دادند که افراد در فرآیند یادگیری فعالانه ساختن و اصلاح دانش خود نقش اساسی دارند. این دیدگاه، مبنای ایده‌های نوینی قرار گرفت که بر تعامل، کاوشگری و مشارکت فرد تأکید دارند و در نتیجه، مفاهیم یادگیری پویا و تعاملی شکل گرفتند.

عامل مهم دیگر، توسعه فناوری های نوین و ابزارهای دیجیتال است. ظهور کامپیوتر، اینترنت، سامانه های آموزش مجازی، فناوری واقعیت مجازی و هوش مصنوعی، امکانات نوین را برای آموزش تعاملی و تعاملی فراهم کرده است که در گذشته تصور آن دشوار بود. این فناوری ها، فرصت می دهند تعاملات میان دانش آموز و مواد آموزشی، معلم و همکلاسی ها، و همچنین فرآیندهای شخصی سازی آموزش را به شکل گسترده و موثر گسترش دهند. به نوبه خود، این تحولات فناوری، محیط آموزشی را به سمت ساختارهای فعال و مشارکتی سوق داده است.

علاوه بر این، تغییرات فرهنگی و اجتماعی، از جمله روند جهانی سازی، نیاز به مهارت های نوین، و اهمیت توسعه مهارت های حل مسئله، انتقادپذیری و خلاقیت، زمینه ساز بروز دیدگاه های نو در آموزش بوده است. جوامع معاصر، بر لزوم آموزش هایی که خلاقیت و توانایی های فردی را توسعه دهند تأکید می کنند، و این نیازها، منجر به رویکردهای یادگیری فعال و تعاملی شده است.

نیز، نظریه های آموزش انتقادی و تعلیم و تربیت مشارکتی، که در واکنش به دیدگاه های سنتی تمرکز بر انتقال دانش تدوین یافته اند، نقش مهمی در تثبیت و ترویج ایده های نوین داشته اند. این نظریه ها بر اهمیت نقش فعال دانش آموز در فرآیند یادگیری، ساخت معنا و مشارکت در فرآیندهای اجتماعی تأکید دارند.

از دیگر عوامل، تجربیات و نمونه های موفق در نظام های آموزش بین المللی است که نمونه های آموزش تعاملی و پویا را ارائه کرده اند. این نمونه ها، سبب انتشار و ترویج این رویکردها در سطح جهانی شده و سبب انگیزش برای توسعه و اصلاح رویکردهای داخلی در آموزش و پرورش شدند.

در حوزه سیاست گذاری و برنامه ریزی های آموزشی، توجه روزافزون به مهارت ها و نیازهای روز جامعه، موجب به کارگیری رویکردهای فعال و یادگیری مشارکتی در سطوح گسترده تر شده است. این سیاست ها، همراه با پژوهش های علمی و عملی، به توسعه مدل های نوین

آموزش کمک نموده و به تدریج مفاهیم یادگیری پویا و تعاملی را در ساختارهای نظام آموزشی جای داده‌اند.

در مجموع، تلاقی بنیانی عوامل نظری، فناوری، فرهنگی، اجتماعی و سیاست‌گذاری، باعث توسعه مستمر و گسترش ایده‌های نوین در حوزه یادگیری پویا و تعاملی شده است. این عناصر، هر یک به نوبه خود، با تغییر شرایط و تحولات زمان، نقش‌هایی متفاوت در تکوین دیدگاه‌های نوین ایفا کرده و پیوندی قوی میان دانش نظری و کاربرد عملی در شکل‌گیری آموزش‌های مؤثر و آینده‌نگر ایجاد نموده‌اند.

تغییرات فناوری و نوآوری‌های تکنولوژیک نقش بی‌نظیری در تحول رویکردهای تعاملی در فرآیند یادگیری ایفا نموده‌اند و روندهای آموزشی را از حالت سنتی، مبتنی بر انتقال یکنواخت و یک‌جانبه دانش، به سمت رویکردهای فعال، مشارکتی و فردمحور سوق داده‌اند. این تحول، نه تنها در عرصه نظریه‌های آموزش، بلکه در عمل و در قالب اجرا و برنامه‌ریزی‌های آموزشی ملموس است و تأثیرات گسترده‌ای بر ساختارها، محیط‌ها و تجربه‌های یادگیری داشته است.

از مهم‌ترین دستاوردهای فناوری در این راستا، ظهور ابزارهای دیجیتال متنوع است که فرآیند تعامل میان دانش‌آموز، معلم و محتوا را کاملاً دگرگون کرده‌اند. سامانه‌های آموزش مجازی، پژوهش‌های فراگیر در حوزه یادگیری الکترونیکی، و فناوری‌های نوین مانند واقعیت مجازی و فناوری‌های هوشمند، فرصت‌های نوینی برای مشارکت فعال و کاوشگری دانش‌آموزان فراهم ساخته‌اند. این فناوری‌ها امکان گسترش تعامل در محیط‌های متنوع، غیرحضوری و منعطف را فراهم کرده، تجربه‌های یادگیری فردی و گروهی را غنی‌تر ساخته‌اند.

علاوه بر این، بهره‌گیری از هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، سبب شخصی‌سازی فرآیند آموزش شده است که در اصطلاح، به مفهوم adaptive learning مشهور است. در این رویکرد، سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های رفتار و نیازهای فردی، محتوا و تمرین‌های آموزشی را به گونه‌ای طراحی می‌کنند که مطلوب‌ترین مسیر یادگیری

برای هر دانش‌آموز ایجاد شود، و بدین ترتیب رغبت، مشارکت و یادگیری فعالانه تقویت می‌شود. این نوع از تعامل، عاملی تداوم‌پذیر در فرآیند آموزش است و بهره‌وری آن را به شکل قابل توجهی ارتقا می‌دهد.

فناوری‌های تعاملی نظیر واقعیت افزوده و محیط‌های تعاملی چندرسانه‌ای، فرصت‌های گسترش یادگیری چندحسی و همه‌جانبه را فراهم کرده‌اند، که به واسطه آن‌ها مفاهیم پیچیده و انتزاعی به شکل عملی و قابل لمس عرضه می‌شوند. این نوآوری‌ها، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا دانش خود را نه تنها به صورت نظری، بلکه در قالب کارهای عملی و کاوش‌های تجربی، تعمیق بخشند و به صورت فعال در فرآیند کسب دانش مشارکت داشته باشند.

در کنار این تحولات، فناوری‌هایی نظیر پلتفرم‌های همکاری آنلاین و ابزارهای ارتباطی چندمغازه‌ای، رویکردهای تعاملی را در قالب آموزش تیمی و کار گروهی تقویت کرده‌اند. این ابزارها، امکان گفتگو، تبادل نظر و حل مسئله مشترک را در بستر مجازی فراهم کرده، پدیده‌های یادگیری مشارکتی و اجتماعی را توسعه داده‌اند. در نتیجه، همگرایی فناوری و pedagogical strategies منجر به تعمیق روابط تعاملی و ساختارهای آموزش فعال شده است.

همچنین، فناوری‌های نوین آموزشی، آموزش را از حالت محدودیت زمان و مکان خارج ساخته و محیط‌هایی انعطاف‌پذیر و تعاملی برای تمامی سطوح سنی و، حتی در مقیاس جهانی، فراهم کرده است. این فضاها دیجیتال، از یک سو، فرصت‌های بی‌نظیری برای آموزش هم‌زمان و هم‌تابه‌همتای فراهم آورده و از سوی دیگر، امکان دسترسی به منابع و تجربیات جهانی را برای دانش‌آموزان هر نقطه از دنیا میسر ساخته است. به‌طوری‌که فرآیند یادگیری، به شکل بلندمدت و پیوسته، به جای محدودیت‌های زمان و مکان، بر تعامل و مشارکت مستمر مبتنی شده است.

در مجموع، نوآوری‌های فناوری سهم بسزایی در طراحی محیط‌های آموزشی تعاملی، فعال و شخصی‌سازی‌شده دارند، که اثرات آن‌ها در افزایش انگیزه، بهبود فهم و تثبیت یادگیری،

بروز قابل توجهی یافته است. این روند، در کنار توسعه فناوری‌های نوین، به عنوان محرک قدرتمندی در شکل‌گیری آموزش‌های آینده‌نگر و تطابق‌پذیر با نیازهای متغیر جامعه و دانش‌آموزان شناخته می‌شود، و پیوسته موجب تغییر پارادایم‌های سنتی و ارتقاء سطح اثربخشی آموزش شده است.

در منابع مختلف حوزه آموزش و یادگیری، تأکید بر ارتباط میان یادگیری فعال و تعامل مؤثر میان یادگیرنده و مربی یا محیط آموزش به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول تکوین فرآیندهای آموزشی مدرن همواره مورد تأکید قرار گرفته است. این ارتباط به عنوان حلقه واسطی کلیدی، نقش محوری در شکل‌گیری فرآیندهای آموزشی تعاملی و فعال ایفا می‌کند، به گونه‌ای که هر چه میزان تعامل سازنده بین عناصر مذکور افزایش یابد، فرصت‌های استثمار و بهره‌وری یادگیری ارتقا می‌یابد.

در متون منابع آموزشی، این رابطه به‌طور مستمر بر اهمیت مشارکت فعال دانش‌آموز در مقابل آموزش صرف و انتقال یکنواخت تأکید دارد. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که تصور یادگیری صرفاً به عنوان دریافت اطلاعات، جای خود را به رویکردهای مشارکتی و فردمحور داده است؛ زیرا فعال بودن در فرآیند یادگیری، شدت درک، یادگیری بلندمدت، انگیزش و توانایی حل مسئله را تقویت می‌کند. در این راستا، نقش مربی نیز به عنوان تسهیل‌گر، راهنمای فرایند تعامل و پشتیبانی‌کننده از فعال‌سازی دانش‌آموز، بیشتر برجسته می‌گردد.

از سوی دیگر، در منابعی همچون نظریه‌های یادگیری تعاملی، تأکید بر ساختارهای فضایی و فنی که محیط‌های آموزشی را به بسترهای تعاملی تبدیل می‌کنند، نیز دیده می‌شود. این منابع، اهمیت طراحی محیط‌هایی که به طور فعالانه بر مشارکت و کنش‌های متقابل دانش‌آموزان و مربیان تمرکز دارند را آشکار می‌سازند و نقش فناوری‌های نوین را در واسطه‌گری این تعاملات برجسته می‌دانند. در این ارتباط، فناوری‌هایی مانند پلتفرم‌های آموزش مجازی، محیط‌های تعاملی چندرسانه‌ای و ابزارهای همکاری آنلاین، نقش مؤثر در ایجاد فضای مناسب برای تعامل و تحریک یادگیری فعال بر عهده دارند.

در مجموع، رویکردهای نوین آموزشی، که تأکید بر تعامل و مشارکت فعال دارند، بر این نکته تأکید می‌ورزند که یادگیری مؤثر هنگامی تحقق می‌یابد که یادگیرنده در معرض فرصت‌های تعاملی قرار گیرد و فرآیند یادگیری در قالب گفت‌وگو، کاوش، حل مسئله و مشارکت گروهی شکل پذیرد. این تعاملات، نه تنها موجب افزایش سطح دانش و مهارت‌ها می‌شود، بلکه حس مالکیت و اعتماد به نفس دانش‌آموزان نسبت به فرآیند یادگیری را تقویت می‌کند و بهبود فایده‌مندی کارایی آموزشی را سبب می‌گردد.

در مطالعه منابع تاریخی و معاصر، نقش مربی به عنوان راهنمای فرآیند، تفسیرگر فعالیت‌های دانش‌آموزان و همکار در فضای یادگیری، همواره به عنوان عنصر فعال و پیوسته مورد تأکید قرار گرفته است. رابطه مستقیم میان میزان فعالیت دانش‌آموز و کیفیت تعامل با مربی، بر اهمیتی وابسته است که در شکل‌گیری انگیزش، تعمیق مفاهیم و توسعه توانایی‌های انتقادی دارد. در واقع، منابع معتبر این حوزه، راهبردهای طراحی فعالیت‌های تعاملی و مشارکتی را به منظور بهبود ارتباط میان یادگیرنده و محیط آموزش، توصیه می‌کنند؛ زیرا این نوع تعاملات، نقش پلی میان ذهن فردی و ساختارهای آموزشی را به صورت فعال و پویا رقم می‌زنند و بهره‌وری کلی فرآیند یادگیری را در مقایسه با رویکردهای غیرفعال به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهند.

تحقیقات علمی و نظریه‌های آموزش در جهت توسعه و تبیین استراتژی‌های نوین برای ارتقای فرآیند یادگیری پویا و تعاملی نقش اساسی ایفا کرده‌اند و تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری رویکردهای آموزشی نوین داشته‌اند. این تأثیرات از چند منظر قابل تبیین است که هم به انتقال مفاهیم بنیادی و هم به کاربردهای عملی در طراحی محیط‌های آموزشی مؤثر می‌انجامد.

نخست، نظریه‌های یادگیری تعاملی و ساختگرایانه پایه‌های نظری فلسفی و علمی استراتژی‌های مبتنی بر مشارکت فعال را شکل داده‌اند. نظریه‌های مانند "ساختگرایی اجتماعی" و "یادگیری معکوس" بر این نکته تأکید می‌کنند که یادگیری بهترین زمانی تحقق می‌یابد که یادگیرنده در فرآیند ساخت معنا نقش فعال ایفا کند. این نظریات، مبنای

طراحی فعالیت‌هایی قرار گرفته است که دانش‌آموز را به کنشگری، کاوش و حل مسئله ترغیب می‌کنند؛ زیرا این فعالیت‌ها موجب تثبیت مفاهیم در ذهن و افزایش عمق درک می‌شود.

از دیگر سو، تحقیقات در حوزه روانشناسی شناختی، مانند نظریه‌های "آلن نویدور" و "جان دیویی" بر اهمیت انسجام شناختی، انگیزش درونی و فرآیندهای شناختی فعال تأکید دارند. این مطالعات، استراتژی‌های آموزشی که تمرکز بر فعالیت‌های عملی، گفت‌وگوهای باز و تعاملی دارند را تقویت کرده و روش‌های طراحی محیط‌های یادگیری چندرسانه‌ای و فناوری‌مدار را توسعه داده‌اند. در نتیجه، فناوری‌های آموزشی مانند آموزش مجازی، سامانه‌های تعاملی و ابزارهای همکاری آنلاین، بر پایه این یافته‌ها شکل گرفته و کارآمدی آن‌ها در ارتقای یادگیری فعال و مستقل نشان داده شد.

همچنین، تحقیقات علمی نشان داده است که تعامل مؤثر میان مربی و دانش‌آموز و نیز میان یادگیرندگان در گروه‌های یادگیری، موجب ایجاد حس مالکیت، انگیزه و اعتماد به نفس می‌شود. نظریه‌های "مدل تعامل معلم و دانش‌آموز" و "مدل‌های تفکر انتقادی" استراتژی‌هایی را پیشنهاد می‌دهند که در آن نقش مربی به عنوان تسهیل‌گر، راهنما و همکار قرار می‌گیرد و در عین حال، فرصت‌های گفت‌وگو، کاوش و تجربه عملی را به محیط یادگیری وارد می‌کند.

نکته حائز اهمیت این است که تحقیقات نشان داده‌اند سازوکارهای فناوری در ایجاد فضاهای آموزشی تعاملی، به طور قابل توجهی بر توسعه استراتژی‌های نوین تأثیرگذار بوده‌اند. برای نمونه، استفاده از بسترهای مجازی، کلاس‌های انعطاف‌پذیر، ابزارهای همکاری و بازی‌های آموزشی تعاملی بر مبنای نظریه‌های یادگیری فعال، نقش اساسی در تحریک انگیزه و ارتقای تعاملات میان عناصر آموزشی دارند. به طور خلاصه، به‌کارگیری نتایج تحقیقات علمی و نظریه‌های آموزش، موجب شده است تا استراتژی‌های آموزشی مبتنی بر مشارکت فعال، تجربه‌های یادگیری چندوجهی و پویایی محیط‌های یادگیری گسترش یافته و اثربخشی فرآیندهای آموزش به نحو مؤثری افزایش یابد.

رویکردهای تاریخی و فرهنگی در کشورهای مختلف نقش بسزایی در شکل‌گیری و ترویج مفاهیم یادگیری پویا و تعاملی ایفا کرده‌اند، به طوری که هر تمدن و نظام آموزشی در راستای ارزش‌ها، باورها و نیازهای خاص خود، رویکردهای متنوعی در این زمینه توسعه داده است. در این بخش، به بررسی این تأثیرات در چارچوب تاریخی و فرهنگی در چند کشور برجسته می‌پردازیم.

در کشورهای اروپایی، به ویژه در قرون وسطی و دوره رنسانس، ترجیحات فرهنگی بر توسعه آموزش‌های مبتنی بر گفتگو، مباحثه و کار گروهی تأکید داشتند. مفاهیمی مانند آموزش انسان‌محور و اهمیت فردیت در تعلیم و تربیت، بر اساس فلسفه اگوستین و افرادی چون مونتسکیو اثر گذاشت و بهره‌مندی از رویکردهای فعال و تعاملی را تقویت کرد. به ویژه، تحولات در مدارس انسانی‌گرایانه، رویکردی مشارکتی و نقدگرا را ترویج نمود که پایه‌های یادگیری فعال را در فرآیندهای آموزشی قرار داد.

در کشورهای آسیای شرقی، مانند چین، ژاپن و کره، فرهنگی مبتنی بر احترام به سلسله‌مراتب، جمع‌گرایی و ارزش‌گذاری بر همبستگی جمعی، بر شکل‌گیری استراتژی‌های تعلیم و تربیت اثرگذار بوده است. نظام‌های آموزشی این کشورها، در گذشته و حال، بیشتر بر حفظ نظم، رعایت سلسله‌مراتب و تمرکز بر آموزش‌های مرسوم تأکید داشتند، اما در دهه‌های اخیر، با تأثیر روند جهانی‌سازی، مفاهیمی مانند همکاری، مشارکت فعال و آموزش‌های تعاملی در قالب پروژه‌های گروهی و فعالیت‌های حل مسئله، جایگاه ویژه‌ای یافته است.

در کشورهای غربی، به ویژه در آمریکا و کانادا، رویکردهای انسانی، فردگرایی، و نیز فلسفه‌های تعلیم و تربیت نوین، مانند روانشناسی شناختی و یادگیری معکوس، تأثیر قابل توجهی در ترویج یادگیری پویا و تعاملی داشته‌اند. این کشورها، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و سیستم‌های آموزش الکترونیکی، محیط‌های یادگیری فعال و تعاملی را توسعه داده‌اند که بر اصل مشارکت فعال، آموزش از طریق تجربیات و تعلیم انتقادی استوار است.